

بیانات در دیدار مسئولان نظام - 18 / اسفند / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين و صحبه المنتجبين و من تابعهم باحسان الى يوم الدين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز. جلسه‌ی گرم و شیرین و صمیمی‌ای است و بحمدالله چهره‌های گوناگون را انسان مشاهده میکند. امیدواریم ان شاءالله دلها هر چه بیشتر به هم نزدیک بشود.

سال گذشته در این جلسه شهید رئیسی (رضوان الله تعالی علیه) حضور داشت و گزارش مفصّلی از اقدامات و خدمات و زحمات خودشان دادند و امروز ان شاءالله به لطف حق، پاداش آن زحمات را بر سر سفره‌ی لطف الهی و رحمت الهی دارند به دست میگیرند و استفاده میکنند. با این چشم، شما مدیران عزیز به این خدمات نگاه کنید. عمر دست خدا است؛ فردا کجا خواهیم بود، چگونه خواهیم بود، معلوم نیست. با این چشم بنگرید که اگر امروز این خدماتی را که بر عهده گرفته‌اید، با اخلاص، با توان و با همین نوع انگیزه‌ای انجام بدهید که آقای رئیس‌جمهور محترم بیان کردند و نشان دادند، اجر و پاداش آن این قدر بزرگ است که در این دنیا نمیشود پاداش آن را داد؛ خدای متعال، در سایه‌ی رحمت خود، در بهشت، در جهان دیگر ان شاءالله به شما عوض خیر خواهد داد. البته کار نیک آثار خودش را در دنیا هم دارد.

بنده اولاً تشکر میکنم از بیانات جناب آقای دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور محترم. بیانات گسترده و خوب و مفیدی را انجام دادند. آنچه نظر من را جلب میکند، بارها هم به خود ایشان این را گفته‌ام، آن حالت انگیزه‌ای است که در ایشان وجود دارد؛ این خیلی باارزش است. این انگیزه، این احساس که «ما میتوانیم، حتماً انجام میدهیم، دنبال میکنیم، به خدا تکیه میکنیم، به کسی غیر خدا تکیه نمیکنیم»، این حالت در ایشان خیلی باارزش است و ان شاءالله به کمک الهی خواهند توانست این کارها را انجام بدهند. امیدوارم ان شاءالله در فاصله‌ی نه‌چندان زیادی ایشان در مقابل جمع یایستند و اجرا شدن این خواسته‌های بزرگ را مژده بدهند به مردم و مردم را خوشحال کنند.

مطلبی که بنده آماده کرده‌ام که اینجا عرض بکنم، سخنی در باب ماه رمضان است، یک عرایضی هم راجع به موضوعات مبتلابه کشور تا آنجایی که به جمع ما ارتباط پیدا میکند، آماده کرده‌ام که عرض کنم.

در باب ماه رمضان [اینکه] ماه رمضان، ماه ذکر است، ماه قرآن است؛ قرآن هم کتاب ذکر است: «إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ» (۲) در سوره‌ی حجر، یا «وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» (۳) در سوره‌ی انبیا و آیات متعدد دیگر. قرآن ذکر است، مایه‌ی ذکر است، کتاب ذکر است. «ذکر» یعنی چه؟ ذکر نقطه‌ی مقابل غفلت و فراموشی است.

یکی از ابتلائات مهم بشر، فراموشی است؛ یک کار لازمی را فراموش میکنند، یک مطلب مفیدی را فراموش میکنند. لکن آنچه خسارت‌بار است و غیر قابل جبران است، دو فراموشی اصلی است: یکی فراموشی خدا که خدا را انسان فراموش کند؛ دوّم فراموشی خویشتن، خودفراموشی؛ این دو، فراموشی غیر قابل توصیفی است از لحاظ ضربه‌ای که به آینده‌ی انسان میزند. خداوند متعال به هر دوی این دو فراموشی در قرآن اشاره کرده، تصریح فرموده؛ یک جا میفرماید که «نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ»؛ (۴) اینها خدا را فراموش کردند، خدای متعال هم اینها را فراموش کرد. فراموش

کردن خدا که خدا کسی را فراموش کند، معنای استعاری دارد؛ چون خدا که کسی یا چیزی را فراموش نمی‌کند. این معنای استعاره‌ای اش این است که خدای متعال او را از دایره‌ی رحمت و هدایت خودش بیرون می‌اندازد؛ فراموش کردن خدا یعنی این. «تَسِيَهُمْ» یعنی او را در پرتو نگاه لطف خودش دیگر قرار نمیدهد، او را مخدول میکند؛ خذله الله. یکی از مهم‌ترین نفرینها «خذله الله» است. «خذلان» یعنی کسی را به حال خود رها کردن، اعتنا نکردن، کمک نکردن، به او نیندیشیدن؛ این خذلان است؛ «تَسِيَهُمْ» یعنی این. لذا در دعای صحیفه‌ی سجّادیه یکی از چیزهایی که با جدّیت و حدّث از خدا خواسته میشود در آن دعای معروف «وَ لَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِرسَالَ مَنْ لَا حَيْرَ فِيهِ» [است]. (۵) «ارسال» هم در عربی، در این موارد، به معنای پرتاب کردن است؛ یعنی من را مثل چیزی که ارزشی ندارد، به درد چیزی نمی‌خورد، پرتاب نکن از دست خودت؛ وَ لَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِرسَالَ مَنْ لَا حَيْرَ فِيهِ. این نسیان الهی [است] که جزای نسیان الهی این است که خدا یک چنین حالتی، یک چنین وضعی برای او به وجود می‌آورد که این بزرگ‌ترین خسارت است. نسیان خود انسان در سوره‌ی مبارکه‌ی حشر است: وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ؛ (۶) خودشان را از یادشان برد. آنها خدا را از یاد بردند، خدای متعال هم خودشان را از یاد خودشان برد؛ یعنی دچار خودفراموشی شدند.

خب، انسان که با مسائل روزمره‌ی زندگی همیشه سروکار دارد و فراموش نمی‌کند اینها را. این انساءِ نقس که یعنی خدا کسی را دچار خودفراموشی کند، هم در مقیاس فردی معنای عمیقی دارد، هم در مقیاس اجتماعی. در مقیاس فردی معنای فراموش کردن انسان خود را، این است که هدف از خلقت خودش را فراموش کند. خب ما معتقدیم که خدای متعال با حکمت عمل میکند؛ ما را برای چه آفریده؟ چرا آفریده؟ این یک سؤال مهمی است. خود خدای متعال و اولیای خدا و پیغمبران و ائمه‌ی هدی هم گفته‌اند که خدا برای چه ما را آفریده؛ خداوند آفریده برای اینکه انسان را به مراتب بالای فضیلت وجودی برساند، تبدیل کند او را به خلیفه‌الله؛ هدف از خلقت انسان این است. آفریده تا او را بزرگ کند، تا او را به مقام والا برساند. در قرآن، در روایات، در کلمات معصومین و اولیا مکرر این تکرار شده؛ [خودفراموشی یعنی] انسان از این غفلت کند و غافل بشود از اینکه برای این آفریده شده.

فراموش کردن گذر زندگی هم یکی از خودفراموشی‌ها است. بالاخره این زندگی در حال گذر است، انسان غفلت میکند. ما همه یک سرآمدی داریم، معلوم است دیگر: إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِيَّاهُمْ مَيِّتُونَ؛ (۷) اسم این سرآمد در تعبیر عربی «اجل» است دیگر، یک اجلی داریم. از اجل فراموش کنیم. این اجل ممکن است یک ساعت دیگر باشد، ممکن است یک روز دیگر باشد، ممکن است یک سال دیگر باشد؛ بالاخره باید خودمان را برای آن آماده کنیم دیگر؛ یکی از موارد خودفراموشی این است. در دعای شریف ابوحمزه [میخوانیم]: «لَمْ أَمْهَدُهُ لِرَقْدَتِي» (۸) - حالا تعبیرش این است - من را در مثل حال کنونی من اگر چنانچه از دنیا ببری که [خود را] آماده نکرده‌ام - خودم را آماده نکرده‌ام، قبرم را آماده نکرد - ما - در این حال اگر از دنیا بروم و اوایلا است! انسان غفلت کند از اینکه باید خودش را آماده کند، آینده را ببیند، برای ورود به لقاءالله آماده بشود. خب اینها غفلتهای شخصی است؛ اینها را انسان میتواند با دعا، با تضرع، با روزه، با خویشتن‌داری درباره‌ی خواهشهای نفسانی که در روزه وجود دارد، این ذکر را، این توجه را به وجود بیاورد و از این خودفراموشی خودش را نجات بدهد. و اگر چنانچه این غفلت برطرف شد، آن وقت سؤال الهی به یاد انسان می‌آید، و توجه میکنیم که ما مورد سؤال الهی قرار خواهیم گرفت. آیه‌ی شریفه‌ی قرآن [میفرماید]: فَلْتَسْئَلْنِ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلْتَسْئَلْنِ الْمُرْسَلِينَ؛ (۹) ما هم از آن مردمی که پیغمبر برایشان فرستادیم، سؤال میکنیم و باید جواب بدهند چه کار کردند، چگونه برخورد کردند؛ هم «وَلْتَسْئَلْنِ الْمُرْسَلِينَ»؛ هم از خود آن پیغمبر سؤال میکنیم. مقام عظمت پیغمبر را در نظر بگیرید؛ خدای متعال سؤال میکند که چه کردید؟ چگونه رفتار کردید؟ ما در این مقام هستیم.

اگر چنانچه انسان به یاد این حالت بیفتد، آن وقت در رفتار انسان تغییر ایجاد میشود. در دعای ابی‌حمزه

میخوانیم: [إِرْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَ كَلَّ عَن جَوَائِكَ لِسَانِي وَ طَاشَ عِنْدَ سُؤْلِكَ إِيَّايَ لُبِّي ؛ (۱۰) وقتی در محضر الهی، در قیامت از انسان سؤال شد، انسان خب بهانه می‌آورد ؛ [سؤال میشود] آن فعل، چرا انجام گرفت؟ آن ترک فعل چرا انجام گرفت؟ انسان باید جواب بدهد. انسان بهانه می‌آورد ؛ همین بهانه‌هایی که در دنیا برای همدیگر می‌آوریم: «به این علت نشد، به آن علت نشد». ما را مجاب میکنند که نه، این بهانه درست نیست، این استدلال درست نیست. آنجا حجت من، استدلال من، بهانه‌های من قطع میشود ؛ إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَ كَلَّ عَن جَوَائِكَ لِسَانِي ؛ انسان زبانش بند می‌آید در مقابل سؤال الهی. وَ طَاشَ عِنْدَ سُؤْلِكَ إِيَّايَ لُبِّي ؛ مغز انسان در مقابل این سؤالات پراکنده و پاشیده میشود. خب، ذکر وقتی حاصل شد، این حالت وقتی برای انسان به وجود آمد که ما این مسئولیت را داریم، این در رفتار ما اثر میگذارد. خودفراموشی این است. خب، این حالا در مورد خودفراموشی در مقیاس فردی.

حالا من اینجا یک نکته‌ای را یادداشت کرده‌ام که عرض بکنم. این مسئله‌ی سؤال الهی که از همه‌ی افراد هست – فُلْتَسْتَلْنُ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ – از ما مسئولین بیشتر است ؛ چون، ما با اختیار خودمان مسئولیت را به عهده گرفته‌ایم، به ما یک پیشنهادی کرده‌اند، ما هم قبول کرده‌ایم و زیر بار این مسئولیت رفته‌ایم، برای ما سنگین‌تر است ؛ ما بیشتر باید مراقب باشیم. اگر آحاد مردم را، جوانها را، متدینین را مشاهده میکنید که فرض بفرمایید اجتنابشان از گناه فلان مقدار است، توجهشان به قرآن، به عبادات فلان مقدار است، شما بایست بیشتر از او این روحیه‌ی اجتناب از محرّم و اقبال به واجب و محلّل (۱۱) را داشته باشید ؛ شما بیشتر باید احساس مسئولیت بکنید.

خب، اما خودفراموشی مربوط به اجتماع. در مقیاس اجتماعی، خودفراموشی مهم‌تر است. یک آیه‌ی شریفه‌ای در قرآن، در سوره‌ی توبه هست – البته این آیه‌ی شریفه در مورد منافقین است – که خیلی بنده را زیاد متوجه خودش میکند، وقتی که به اینجا میرسم و آن را میخوانم. آن تکه‌ی مورد نظر من از آن آیه، این است: فَاسْتَمْتَعُوا بِخُلُقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخُلُقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخُلُقِهِمْ وَ خُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا ؛ (۱۲) این [مطلب] آدم را تکان میدهد. خب قبل از نظام جمهوری اسلامی، این کشور حکامی داشته، فرمانروایانی داشته، مدیرانی داشته، کارهایی میکردند، بدعملی‌هایی داشتند، خلافی‌هایی داشتند ؛ این انقلاب با همه‌ی زحمات، با همه‌ی رنجها، با معجزه‌ی کسی مثل امام (رضوان الله علیه) – که واقعا حضور او و وجود او در این برهه‌ی زمان، یک چیزی شبیه معجزه بود – با فداکاری‌های فراوان، با از دست دادن چقدر جوان عزیز و برجسته و خوب، با همه‌ی اینها به پیروزی رسید و حفظ شد و این نظام جمهوری اسلامی به وجود آمد. خب، اگر چنانچه همان وضعی را، همان کاری را، همان راهی را که مدیران دوران طاغوت انجام میدادند، ما هم بتدریج به همان سمت برویم، این جرم خیلی بزرگی است ؛ این آیه این را میگوید. فَاسْتَمْتَعُوا بِخُلُقِهِمْ ؛ آنهایی که قبل از شما بودند، نصیب و بهره‌ای برای خودشان فرض کردند، آن نصیب و بهره را بردند. فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخُلُقِكُمْ ؛ شما هم برای خودتان یک نصیب و بهره‌ای فرض کردید، شما هم آن بهره را برداشتید. كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخُلُقِهِمْ ؛ شما هم مثل آنها عمل کردید. وَ خُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا ؛ همان راهی که آنها رفتند، شما هم رفتید. این[طور] اگر بشود، خیلی مایه‌ی نگرانی است ؛ خسارت بی‌ظییری است چنین چیزی اگر پیش بیاید. البته خدای متعال، لطفش و فضلش و هدایتش نگذاشته تاکنون جمهوری اسلامی به یک چنین وضعی دچار بشود، اما باید بترسیم، باید مراقب باشیم.

«خودفراموشی اجتماعی» یعنی این: هویت خودمان را فراموش کنیم، فلسفه‌ی وجودی جمهوری اسلامی را فراموش کنیم. آن طوری که قبل از ما در این کشور در سیاست خارجی، در سیاست داخلی، در اداره‌ی امور کشور، در تقسیم امتیازات و منابع کشور عمل میکردند، آن جور نباید عمل بکنیم. راه آنها راه دیگری بود، راه ما راه دیگری است، هویت ما هویت دیگری است. این را اگر فراموش کردیم، این میشود همان خودفراموشی در مقیاس اجتماعی که خسارت بزرگی است. تکیه به بیگانه، زندگی بر اساس تعدی، بر اساس فساد، بر اساس ویژه‌خواری، بهره‌بردن‌های ناسالم ؛ خب

شاکله‌ی تمدن اسلامی و نظام اسلامی که ما به دنبال تشکیل آن هستیم و بودیم، بکلی منافی با این است. ما از دیگران نمیتوانیم [در این زمینه] تقلید کنیم.

خب، حالا من اینجا چند کلمه در همین زمینه عرض بکنم. شاکله‌ی نظام اسلامی این است: مبتنی بر اصول و آرمانهای قرآنی است. قرآن هیچ چیزی را فروگذار نکرده. در تفسیر قرآن، در تبیین مفاهیم قرآنی، روایات ما، کلمات معصومین، خود نهج البلاغه‌ی شریف، هیچ نکته‌ای را فروگذار نکردند. نظام اسلامی، کشور اسلامی، جمعیت اسلامی تعریف مشخصی دارد بر اساس این معیارها و این آرمانها و این اهداف که در کتاب و سنت ترسیم شده. ما باید به سمت این آرمانها حرکت کنیم. ارزشهایی تعریف شده، بایدها و نبایدهایی تعریف شده؛ باید به سمت این بایدها و نبایدها حرکت بکنیم، تلاشمان را باید در این جهت قرار بدهیم.

ما نمیتوانیم در مسائل گوناگون سیاسی‌مان، اقتصادی‌مان و دیگر چیزها پیرو مبانی تمدن مادی غرب باشیم. البته تمدن غربی مزایایی دارد؛ در این شکی نیست. از هر مزیتی در هر جای دنیا، در غرب و شرق و دور و نزدیک، هر جا مزیتی هست که ما میتوانیم یاد بگیریم، استفاده کنیم، باید [استفاده] بکنیم؛ در این تردیدی نیست، اما بر مبانی آن تمدن نمیتوانیم تکیه کنیم. مبانی آن تمدن، مبانی غلطی است، مخالف با مبانی اسلامی است؛ ارزشهای آن تمدن، ارزشهای دیگری است. لذا شما می‌بینید از لحاظ قانونی، از لحاظ اجتماعی، از لحاظ رسانه‌ای، خیلی راحت میرسند به چیزهایی که شما - شما مسلمان یا آشنای با قرآن - از فکر کردنش خجالت میکشید. بنابراین نباید دچار «فانسانهم انفسهم» بشویم در این مقوله‌ی تبعیت از تمدن غربی.

البته تمدن غربی باطن خودش را خوشبختانه در طول زمان آشکار کرده. آن جلوه‌ای که در قرن ۱۹ و نیمه‌ی اول قرن ۲۰ میلادی تمدن غربی داشت و تلالوایی که در چشم بینندگان از دور میکرد، امروز دیگر وجود ندارد. تمدن غربی با استعمار، با تحمیل خواسته‌های خود بر کشورهای دیگر، با تصرف منابع ثروت کشورها و ملت‌های دیگر، با کشتارهای وسیع، با معیارهای دوگانه، با ادعای دروغین حقوق بشر، با ادعای دروغین حقوق زن، [رسوا شد؛] اینها رسوا کرد تمدن غربی را و باطن غرب آشکار شد. مرز اخلاقی بین زن و مرد را برداشتند. ادعا میکنند که نسبت به ارزشها بی‌تفاوتند و این اختیار را به هر کسی میدهند؛ سکولاریسم یعنی این دیگر؛ سکولاریسم، یعنی این دولت، این حکومت نسبت به هیچ ارزشی جانب‌داری ندارد؛ این اختیار را به همه میدهد که طبق نظر خودشان و ارزشهای خودشان زندگی کنند. [البته] دروغ می‌گویند! زن باچادر در یک کشور اروپایی مورد حمله قرار میگیرد و مجروح میشود، به دادگاه مراجعه میکند؛ دادگاه مشغول محاکمه‌اش میشود، در همان جلسه‌ی دادگاه، آن کسی که قبلاً به او ضربه زده مجدداً ضربه میزند و آن زن را میکشد! (۱۳) آب از آب تکان نمیخورد! یعنی معیارهای دوگانه در غرب حقیقتاً مفتضح‌کننده‌ی تمدن غربی است، رسواکننده‌ی ادعاهای اینها است.

ادعا میکنند گردش آزاد اطلاعات را؛ واقعاً همین جور است؟ الان در غرب گردش آزاد اطلاعات هست؟ شما در فضای مجازی متعلق به غرب میتوانید اسم حاج قاسم را، اسم سیدحسن نصرالله را، اسم شهید هنیه را بیاورید؟ میتوانید اعتراض کنید به جنایاتی که در فلسطین و در لبنان و مانند اینها دارد به دست صهیونیست‌ها انجام میگیرد؟ میتوانید حوادث ادعائی [مربوط به] آلمان هیتلری نسبت به یهودی‌ها را انکار کنید؟ این است گردش آزاد اطلاعات؟ یعنی این تمدن، امروز خودش را، در واقع باطن خودش را آشکار کرده. می‌بینید دیگر این حرفهایی که رؤسای غربی میزنند. و مشخصاً - این حرف من نیست، حرف افراد غربی جامعه‌شناس عمیق و دقیق است که - تمدن غربی روزه‌روز به سمت افول بیشتر دارد حرکت میکند؛ این [جور] است.

خب ما حق نداریم از مبانی این تمدن پیروی کنیم، دنباله‌روی کنیم. ما هویت خودمان را داریم و خوشبختانه این

هویت روزبه‌روز در دنیا سربلندتر میشود؛ البته این همه هم تبلیغات علیه آن هست، این همه! یکی از موارد همین معیارهای دوگانه و گردش آزاد اطلاعات همین است که شما ببینید در کدام یک از رسانه‌های بیگانه راجع به ایران حرفی که میزنند، منطبق با واقعیات ایران است. شما پیشرفت علمی دارید، منعکس نمیشود؛ اجتماع مردمی دارید، منعکس نمیشود؛ موفقیت‌های بزرگ در زمینه‌های گوناگون دارید، منعکس نمیشود؛ یک مورد شکست دارید، ده برابر بیان میشود! اطلاعات آزاد این جوری است! برخوردشان با مسائل گوناگون، با افراد گوناگون یک جور نیست، متفاوت است.

خب، پس بنابراین مهم این است که ما مسئولین نظام جمهوری اسلامی هویت اصلی نظام اسلامی را بشناسیم، از یاد نبریم، دنبال کنیم. همین مطالبی که آقای رئیس‌جمهور گفتند، همینها هم مورد تأیید همه‌ی کسانی است که با قرآن و سنت و نهج‌البلاغه و مانند اینها آشنا هستند؛ همه‌اش همینها است؛ باید همینها برنامه‌ریزی بشود، همینها دنبال بشود، همینها اقدام بشود؛ این [کار] کشور را ارتقاء خواهد داد، ملت ایران را عزیزتر از آنچه هست خواهد کرد؛ این خواهد توانست الگو در مقابل ملت‌ها بلکه در مقابل دولتمردان خیلی از کشورها بگذارد اگر ما بتوانیم درست این حرکت را انجام بدهیم و [پیش] برویم. حالا من البته در مورد این حرکت کردن و رفتن دو سه عرض کوچک دارم که حالا عرض خواهم کرد. خب این درباره‌ی مسائل مربوط به ماه رمضان.

راجع به مسائل کشور، آنچه در درجه‌ی اول مهم است، مسئله‌ی اقتصاد است. خب، همه میدانیم دیگر امروز، یعنی این سالهای اخیر، در این چند سال تقریباً از اول دهه‌ی ۹۰ تا امروز، مشکلات اقتصادی دامنگیر کشور بوده؛ امروز هم مسئله، مسئله‌ی اقتصادی است، مسئله‌ی مهمی است. و این را هم توجه داشته باشیم که تهدیدهایی که دشمنان میکنند، عمدتاً متوجه به معیشت مردم است؛ عمدتاً تهدیدهای امنیتی، تهدیدهای اطلاعاتی متوجه معیشت مردمند؛ یعنی قصد و طرح کلی این است که کاری کنند که جمهوری اسلامی از عهده‌ی اداره‌ی معیشت مردم نتواند بربیاید، و این تبعات خودش را خواهد داشت؛ دنبال این هستند. لذا مسئله‌ی معیشت واقعاً مسئله‌ی مهمی است و باید به طور جدی دنبال اصلاح این قضیه بود؛ دستگاه‌های مسئول باید عمده‌ی تلاش خودشان را متوجه این قضیه بکنند. البته یکی از عوامل، تحریم‌های خارجی است. تردیدی نیست که تحریم‌های قدرتها در وضعیت کنونی اقتصادی ما و معیشت مردم تأثیر دارد اما این همه‌ی قضیه نیست. بخشی از عامل، تحریم است. یک چیزهایی هست که به تحریم اصلاً ارتباطی ندارد. حالا من بعضی‌ها را در خلال صحبت عرض میکنم.

حالا ما چه کار باید بکنیم؟ یکی از اولین کارهایی که باید انجام بگیرد، انسجام درونی دستگاه‌های گوناگون است؛ هم دستگاه‌های داخل قوه‌ی مجریه باید به طور کامل به هم متصل باشند، همکاری کنند؛ هم سه قوه در کنار هم و نیروهای مسلح در کنار اینها، با هم همکاری کنند. شرط اول، «انسجام» است. اگر بخواهیم کارها پیش برود، باید این انسجام به معنای واقعی کلمه اتفاق بیفتد. خب، خوشبختانه امروز تا حدود زیادی این جوری است؛ در سطوح بالا این جوری است [اما] باید در بدنه و سطوح پایین هم همین انسجام، همین همکاری وجود داشته باشد.

یک نکته‌ی مهم دیگری که در کارهای ما، از جمله در مسئله‌ی اقتصاد تأثیر اساسی دارد، سرعت عمل است. ما بطیء (۱۴) حرکت میکنیم، کند کار میکنیم. یک فکر سازنده‌ای به ذهنمان میرسد که باید عمل بشود، فرض کنید از باب مثال مثلاً مسیر شمال - جنوب؛ از وقتی که این فکر به ذهن ما میرسد، تا وقتی که تصمیم میگیریم این کار را انجام بدهیم، فاصله‌ی زیادی به وجود می‌آید؛ در حالی که گاهی اوقات این فاصله میتواند به یک‌دهم تقلیل پیدا کند؛ دیر تصمیم میگیریم. بعد که تصمیم گرفتیم، تا شروع میکنیم به اجرا، باز فاصله به وجود می‌آید؛ خب، تصمیم گرفتیم، عمل کنیم دیگر. وقتی که فهمیدیم، تصمیم گرفتیم، دانستیم که این کار باید انجام بگیرد، بلافاصله شروع کنیم به عمل [کردن]. بعد که شروع میکنیم به عمل، تا گرفتن نتایج، فاصله به وجود می‌آید. علت

این [کندی] هم عمدتاً عدم پیگیری است. یکی از توصیه‌هایی که بنده غالباً به مسئولین محترم، مدیران محترم، رؤسای محترم جمهور در این سالها داشته‌ام همین است: پیگیری کنند کارها را. شما یک تصمیمی میگیرید، یک اقدامی میکنید، به [یک] مسئولی مسئولیت میدهید، او هم میگوید چشم، او هم دروغ نمیگوید، او هم به نفر بعدی خودش [می‌سپرد]، اما وسط کار معطل میشود؛ باید رفت، باید از نزدیک دید، باید کارها را رها نکرد؛ این فاصله‌ها را باید کم کرد. فاصله‌ی بین فکر و تصمیم، بین اجرا و نتیجه، خیلی زیاد است؛ این را باید به سرعت عمل [کرد]. این هم نکته‌ی بعدی.

متأسفانه دیده شده که بعضی از مدیران ما فکر میکنند که بی‌خطرترین کار، تصمیم نگرفتن است؛ چون تصمیم‌گیری احتمال اشتباه و خطر و بعد یقه‌گیری و مچ‌گیری و مانند این چیزها دارد دیگر؛ پس کار بی‌خطر این است که انسان تصمیم نگیرد، دنباله‌ی کارها را [نگیرد]. اینکه ما تصوّر بکنیم، برای آسودگی خیالمان خیلی حرص نزنیم، جوش نزنیم، دنبال کار نرویم، حالا شد شد [نشد نشد]، جزو خطرناک‌ترین فکرها است. خدای متعال از ترک فعل‌ها هم سؤال میکند؛ سؤال الهی فقط مربوط به فعل نیست، مربوط به ترک فعل هم هست.

یک نکته در باب اقتصاد این است که مسئولین کشور ظرفیتهای موجود کشور را بشناسند؛ ظرفیتهای ما زیاد است. مکرر هم میگوییم: «ظرفیتهای، استعدادها، زمینه‌ها»، اما در عمق کار وارد نمیشویم.

یکی از ظرفیتهای ما عمدتاً جوانهای ما هستند که واقعاً گاهی کارهایی انجام میدهند که انسان حیرت میکند؛ در زمینه‌های مسائل اقتصادی، در زمینه‌ی مسائل علمی، در زمینه‌ی تحقیقات، در زمینه‌ی نوآوری و خلاقیت. این یکی از مهم‌ترین ظرفیتهای ما است.

یکی منابع طبیعی ما است. منابع طبیعی ما جزو برترین و غنی‌ترین منابع طبیعی دنیا است؛ منابع نفت ما، منابع سنگهای ما، انواع کانی‌ها و این فلزات معدنی و امثال اینها، جزو بهترین منابع دنیا است. بنده یک وقتی از روی یک آماري گفتم (۱۵) – الان البته یادم نیست، [اما] آن وقت آمار دقیقی دیده بودم – که جمعیت ما یک صدم جمعیت دنیا است؛ یعنی از هشت میلیارد، فرض کنید که ما هشتاد میلیون جمعیت هستیم، [در حالی که] بسیاری از معادن اساسی ما دو صدم، سه صدم، پنج صدم یا هشت صدم از موجودی دنیا است. بنابراین، از لحاظ منابع طبیعی، ما جلوتر از بسیاری از کشورهای دنیا هستیم. این منابع را بشناسیم. گزارشهایی به ما میرسد که بعضی از منابع هست که هنوز مسئولان ذی‌ربط کشف نکرده‌اند این منابع را، هنوز خبر ندارند از اینکه ما این منبع و این منبع را در فلان نقطه‌ی کشور داریم. این خیلی مهم است؛ هم نوع منابع، هم مقدار منابع. این هم یکی از ظرفیتهای ما است.

ظرفیت سوّم هم پیشرفت در علم و فناوری است. ما نسبت به وضع خودمان، از لحاظ پیشرفت علم و فناوری وضعمان خوب است. البته چند سال قبل از این بهتر بود؛ حدود ده دوازده سال پیش از این، آن وقت منابع خارجی میگفتند سرعت رشد ایران در پیشرفت علمی و تحقیقی سیزده برابر متوسط دنیا است – سرعت رشد – که بنده همان وقت گفتم این سرعت را نگذاریم کم بشود، (۱۶) [زیرا] عقب خواهیم ماند؛ خب دنیا هم دارد حرکت میکند. حالا شاید به آن اندازه نباشد، اما پیشرفت ما پیشرفت بسیار خوبی است.

یکی از مشکلات واقعی اقتصاد ما مسئله‌ی قاچاق است؛ قاچاق دوسویه. یک چیزهایی از اینجا قاچاق میشود به بیرون که صد درصد به ضرر کشور است، یک چیزهایی [هم] از بیرون قاچاق میشود به داخل که صد درصد به ضرر کشور است.

خب اینهایی که من الان گفتم، هیچ کدام به تحریم و مانند آن ارتباطی ندارد. اگر ما سرعت عمل نداریم، اگر ما دنبال

کارها نمیدویم با معیار و مقیاس لازم، این ربطی به تحریم ندارد، به خودمان ربط دارد. اگر ما در مورد قاچاق، جدی حرکت نکنیم، این به دشمن ربطی ندارد، به تحریم کننده ربطی ندارد؛ ما باید نگذاریم. باید نگذاریم. راه هم دارد؛ جلوگیری از قاچاق محال نیست. البته کار مشکلی است – ما میدانیم – اما کار ممکن است؛ باید این کار ممکن انجام بگیرد. من شنیدم که از مدتها پیش، حق کشف قاچاق را برداشته اند. خب این انگیزه‌ی کشف قاچاق را کم میکند. [یا مسئله‌ی] بازارچه‌های مرزی و امثال اینها.

یکی از موضوعات مهم مربوط به اقتصاد، اصلاح نظام ارزی کشور است. در درجه‌ی اول، تقویت پول ملی است؛ دیگر حالا سیاستش، برنامه‌اش و کیفیت کار را متخصصین باید انتخاب کنند. پول ملی باید تقویت بشود؛ این، هم در واقعیت زندگی مردم اثر دارد، هم در آبروی کشور اثر دارد. حتی اگر چنانچه مثلاً میگویند «یک فرمولی وجود دارد که اگر [به آن] عمل کنیم، تورم می‌آید پایین، حتی تک‌رقمی ممکن است بشود اما قیمت ارز میرود فلان قدر میشود»، این درست نیست؛ برای خاطر اینکه اگر ارزش پول ملی با بالا رفتن قیمت ارز کاسته شد، تورم هرچه هم پایین باشد، این پول قیمتی ندارد و قدرت خرید برای مردم فقیر و ضعیف به وجود نمی‌آید. اگر میخواهید قدرت خرید برای مردم بالا برود، به پول ملی باید اهتمام ورزید؛ یکی از اساسی‌ترین کارها این است.

در مورد ارز، برگشت ارزهای کسانی که درآمد صادراتی ارزی دارند، خیلی مهم است. من شنیدم زمان مرحوم آقای رئیسی (رحمة الله علیه) گفته شد که برخی از شرکتهای بزرگ، یعنی شرکتهای کلان و مهم و بزرگ دولتی که مال دولت هم هست، اینها صادرات دارند، درآمد ارزی دارند که ارز این درآمد برنمیگردد به بانک مرکزی. ایشان یک فکری کرده بود، علاجه درست کرده بود و آن اینکه این شرکتهای متعهد بشوند هر کدام یک کار بزرگی را در کشور انجام بدهند؛ مثلاً فرض کنید که در فلان منطقه آب شرب و آب مثلاً کشاورزی فلان منطقه‌ی کم‌آب را تأمین کنند، یا فلان پالایشگاه را بزنند یا نیروگاه مثلاً فرض کنید دویست مگاواتی، سیصد مگاواتی را تولید کنند؛ قول داده بودند. دو سه ماه بعد، من از ایشان پرسیدم، گفتم که این کاری که بنا بود این شرکتهای بکنند به کجا رسید، ایشان اطلاعی نداشت. گفتم من سؤال میکنم به شما جواب میدهم. بعد از مثلاً یک هفته، دو هفته، ایشان یک گزارشی به من دادند، گفتند این گزارش را اینها دادند. من نگاه کردم دیدم این گزارش مهمل است؛ پوچ! اصلاً این گزارش نشان‌دهنده‌ی هیچ اقدامی نیست، [بلکه] یک مقدار عدد و رقم پشت سر هم گذاشته اند. ایشان دنبال این کار بود. خب اینها جزو کارهایی است که باید انجام بگیرد. درآمد ارزی اگر متعلق به شرکتی است که مال خود دولت است، خب چطور این در اختیار دولت قرار نمیگیرد؟ در اختیار بانک مرکزی قرار نمیگیرد؟ چرا؟ برای این باید فکری بشود، کار اساسی باید انجام بگیرد؛ یعنی اینها همه چیزهایی است که در همین گشایش معیشت مردم مؤثر است.

مسئله‌ی تولید – که بنده مکرر روی آن تکیه کردم – خیلی مهم است. [باید] از تولید حمایت قانونی بشود؛ تجهیز منابع بشود برای تولید. موانع تولید – موانع بیخود که گاهی موانع تشکیلاتی و سازمانی و بخشنامه‌ای وجود دارد که هیچ لزومی هم ندارد – برداشته بشود.

تأمین نیازهای داخلی از تولید داخلی. چه کسی تأمین کند نیازهای خودش را از تولید داخلی؟ مردم. دولت چه؟ بیشتر از همه‌ی مردم، دولت مصرف کننده است. خیلی از تولیدات را دولت مصرف میکند. دستگاه‌های دولتی مقید بشوند که هیچ چیزی را که در داخل تولید میشود از خارج وارد نکنند و مصرف نکنند؛ یکی از کارها این است. ارتقاء فناوری و نوآوری در زمینه‌ی تولید مهم است.

یکی از موضوعات مهم در اقتصاد کشور، مسئله‌ی سرمایه‌گذاری است که مسئله‌ی سرمایه‌گذاری مشکل ما در طول سالهای متمادی است. البته یکی از اهداف تحریمها جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی است، ولی راه دارد – که حالا

آقای رئیس‌جمهور یک اشاره‌ای کردند در ضمن صحبت - راه وجود دارد برای اینکه ما بتوانیم سرمایه‌گذاری کنیم؛ این مهم است که در داخل سرمایه‌گذاری بشود؛ این کار را باید تسهیل کرد برای سرمایه‌گذار؛ سرمایه‌گذار احساس کند این کار برای او سود دارد، نفع دارد و میتواند؛ این کشور را پیش خواهد برد. و از این قبیل. بنابراین مسائل اقتصادی مسائل مهمی است. مسئولین اقتصادی هم - هم در داخل دولت، هم در بیرون دولت - حساسند، متوجهند روی این مسئله. و این نکاتی که ما عرض کردیم، به نظر ما نکات قابل توجهی است و باید دنبال بشود.

یک کلمه هم در مورد مسائل سیاست خارجی. خب بحمدالله وزارت خارجه‌ی ما فعال است؛ جزو وزارت خارجه‌های فعال است. همین مسئله‌ی همسایگانی که ایشان بیان کردند، مسئله‌ی مهمی است؛ کشورهای دیگر غیر همسایه هم همین جور. منتها یکی دو نکته وجود دارد. اینکه بعضی از دولتهای قلدر - واقعاً بنده هیچ تعبیری مناسب‌تر برای بعضی از شخصیت‌ها و رؤسای خارجی، جز همین کلمه‌ی «قلدر» سراغ ندارم - اصرار به مذاکره میکنند، مذاکره‌ی آنها برای حل مسائل نیست، برای تحکم است. [میگویند] مذاکره کنیم تا آنچه را که میخواهیم، بر طرف مذاکره - که آن طرف میزنشسته - تحمیل کنیم؛ اگر قبول کرد که چه بهتر، اگر قبول نکرد جنجال راه بیندازیم که اینها از میز مذاکره فاصله گرفتند، از پای میز بلند شدند! این تحکم است. مذاکره برای آنها راهی است، مسیری است برای طرح توقعات جدید. مسئله فقط مسئله‌ی هسته‌ای نیست که حالا راجع به مسائل هسته‌ای صحبت کنند؛ توقعات جدیدی را مطرح میکنند که این توقعات جدید از طرف ایران قطعاً برآورده نخواهد شد؛ [مثلاً] راجع به امکان دفاعی کشور، راجع به توانایی‌های بین‌المللی کشور، که فلان کار را نکنید، فلان کس را نبینید، فلان جا نروید، فلان چیز را تولید نکنید، برد موشکتان از آن فلان قدر بیشتر نباشد! مگر کسی میتواند اینها را قبول کند؟ مذاکره برای این چیزها است. و البته اسم مذاکره را هم تکرار میکنند برای اینکه حالا در افکار عمومی یک فشاری ایجاد کنند که بله، [این] طرف حاضر است برای مذاکره، شما چرا حاضر نیستید؟ [این] مذاکره نیست؛ تحکم است، تحمیل است. علاوه‌ی بر جهات دیگری، که حالا جای بحثش اینجا نیست و بنده هم امروز قصد ورود در این مسئله ندارم؛ حالا یک وقتی ممکن است در یک جاهایی بحث کنیم؛ لکن اجمالاً مسئله این است.

حالا آن سه کشور اروپایی هم اعلامیه میدهند، اعلام میکنند که ایران به تعهدات هسته‌ای خودش در برجام عمل نکرده! از این طرف یکی از آنها سؤال کند [مگر] شما عمل کردید؟ شما میگویید ایران به تعهدات خودش در برجام عمل نکرده؛ خیلی خوب، شما به تعهدات خودتان در برجام عمل کردید؟ شما از روز اول عمل نکردید؛ بعد که آمریکا خارج شد، (۱۷) قول دادید که یک جوری جبران کنید، زیر قولتان زدید؛ (۱۸) باز یک چیز دیگر گفتید، زیر آن قول دوم هم زدید. بالاخره بی‌چشم‌رویی هم یک حدی دارد؛ آدم خودش به تعهدش عمل نکند، بعد به طرف [مقابل] بگوید: «چرا به تعهدت عمل نمیکنی!» دولت وقت (۱۹) یک سال (۲۰) تحمّل کرد؛ بعد مجلس شورای اسلامی وارد میدان شد و یک مصوبه‌ای گذراندند؛ (۲۱) جز این راهی وجود نداشت. الان هم همین جور است؛ الان هم در مقابل حرف زور، در مقابل زورگویی راهی [جز ایستادگی] وجود ندارد.

پروردگارا! تو را به محمد و آل محمد سوگند میدهم که ما را از فیض رمضان برخوردار بفرما. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار و شهدای ابرار را که این راه را برای ما باز کردند، باز نگه داشتند، و خودشان را در این راه فدا کردند، از ما خشنود بفرما؛ درجاتشان را عالی بفرما. پروردگارا! بر زخمهای واردشده‌ی بر پیکر مجاهدان مقاوم منطقه، مرهم معنوی و مادی واقعی و الهی را خودت فراهم بفرما و بگذار. پروردگارا! به محمد و آل محمد، دشمنان جمهوری اسلامی را مخدول و ذلیل بفرما؛ ملت ایران را، ملت مسلمان ایران را به شأن و جایگاه واقعی خودشان برسان؛ امت اسلامی را سربلند کن؛ همه‌ی مستضعفین عالم، همه‌ی مظلومان و محرومان عالم را از فیض خودت برخوردار بفرما؛ رضایت خودت را شامل حال ما بگردان؛ آنچه گفتیم و شنیدیم برای خودت و در راه خودت قرار بده و دعای ما را مستجاب کن؛ و ما را در این شبهای مبارک و روزهای شریف، مشمول مغفرت خودت قرار بده؛ و پدرها و مادرها و

اموات و گذشتگان ما را بیامرز.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، آقای دکتر مسعود پزشکیان (رئیس جمهور) گزارشی ارائه کرد.
- ۲) سوره ی حجر، بخشی از آیه ی ۹ ؛ «بی تردید، ما این قرآن را بتدریج نازل کرده ایم ...»
- ۳) سوره ی انبیا، آیه ی ۵۰ ؛ «و این [کتاب] - که آن را نازل کرده ایم - پندی خجسته است. آیا باز هم آن را انکار میکنید؟»
- ۴) سوره ی توبه، بخشی از آیه ی ۶۷
- ۵) صحیفه ی سجادیه، دعای چهل وهفتم
- ۶) سوره ی حشر، بخشی از آیه ی ۱۹ ؛ «و چون کسانی مباحثید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد ...»
- ۷) سوره ی زمر ؛ آیه ی ۳۰ ؛ «قطعاً تو خواهی مرد و آنان [نیز] خواهند مرد.»
- ۸) مصباح المتهدّ و سلاح المتعبّد، ج ۲، ص ۵۹۱
- ۹) سوره ی اعراف، آیه ی ۶
- ۱۰) مصباح المتهدّ و سلاح المتعبّد، ج ۲، ص ۵۹۲
- ۱۱) مباح
- ۱۲) سوره ی توبه، بخشی از آیه ی ۶۹
- ۱۳) اشاره به ماجرای قتل خانم «مروه شریینی» در دادگاهی در آلمان در سال ۲۰۰۹ میلادی که با چندین ضربه ی چاقو از سوی قاتل در جلسه ی دادگاه کشته شد.
- ۱۴) آهسته، کند
- ۱۵) بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵/۳/۲۵)
- ۱۶) از جمله بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئتهای علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی سراسر کشور (۱۳۸۹/۴/۲)
- ۱۷) هجدهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷، دونالد ترامپ (رئیس جمهور وقت آمریکا) رسماً خروج دولت آمریکا از برجام و اعمال برخی تحریمهای جدید را اعلام نمود.
- ۱۸) دولتهای اروپایی بعد از خروج آمریکا، پس از مذاکرات، مسیری به نام اینستکس را پیشنهاد دادند تا از طریق آن ایران بتواند به پولهای خود دست یابد. یعنی ایران پولهایی را که از جاهای دیگر طلب دارد، بدهد به اروپاییها - مثلاً فرانسه، انگلیس - که آنها هر جنسی که مصلحت میدانند، بخرند و برای ایران بفرستند! این راه جایگزین نیز پس از مدتها تأخیر به صورت درست عملیاتی نشد.
- ۱۹) دولت دوازدهم
- ۲۰) با خروج آمریکا از برجام، دولت دوازدهم طی پنج مرحله تعهدات ایران نسبت به برجام را کاهش داد که پنجمین و آخرین گام را در دی ماه ۱۳۹۸ عملی کرد.
- ۲۱) قانون «اقدام راهبردی برای لغو تحریمها و صیانت از حقوق ملت ایران»، در دوازدهم آذر ۱۳۹۹ توسط مجلس یازدهم به تصویب رسید.